



Research Article

The Challenges of Religious Education with an Approach to Irreligion among Students in the Second Grade of High School¹

Muslim Shojaei

PhD, Philosophy of Education, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (**Corresponding Author**). moslem.shojaei@yahoo.com

Aboutaleb Awadzadeh

Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Science and Research Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. abiutaleb.azazdeh@gmail.com

Abstract

The purpose of the present study is to explore the challenges and harms of religious education with an approach to irreligion among students in the second grade of high school. The method of study is descriptive and factor analysis. Statistical sample of the study includes 320 students in the second grade of high school in Kohgilouye va Boyer Ahmad Province who were chosen by cluster method through several procedures. The results of factor analysis, after rotation of the extracted factors by Varimax method, showed that six factors relating to personal and emotional features, cultural features, lack of programming, family and friends, negligence to the phenomenon of irreligion, and economic features totally explain 91.05% of the variables variation. Accordingly, it is proposed that educational managers and officials put more effort into the phenomenon of irreligion and lead students to accept religion eagerly.

Keywords: Religious Education, Students, Second Grade of High School, Kohgilouye va Boyer Ahmad Province.

1. **Received:** 2022/02/10 ; **Revision:** 2022/03/02 ; **Accepted:** 2022/03/05

© the authors

<http://tarbiatmaaref.cfu.ac.ir/>

Publisher: Farhangian university





چالش‌های تربیت دینی با رویکرد دین‌گریزی در دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه^۱

مسلم شجاعی

دکتری، فلسفه تعلیم و تربیت، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
moslem.shojae@yahoo.com (نویسنده مسئول).

ابوطالب عوض‌زاده

استادیار، گروه علوم تربیتی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
abiutaleb.azazdeh@gmail.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی چالش‌های آسیب‌های تربیت دینی با رویکرد دین‌گریزی در دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه است. روش پژوهش توصیفی از نوع تحلیل عامل اکتشافی بود. نمونه آماری پژوهش تعداد ۳۲۰ نفر از دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه استان کهگیلویه و بویر احمد هستند که به صورت خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. نتایج حاصل از تحلیل عاملی، پس از چرخش عامل‌های استخراج شده به شیوه واریماکس، نشان داد که شش عامل ویژگی‌های شخصی و عاطفی، ویژگی‌های فرهنگی، فقدان برنامه‌ریزی، خانواده و دوستان، بی‌توجهی به پدیده دین‌گریزی و ویژگی‌های اقتصادی، در مجموع ۹۱/۰۵ درصد از واریانس متغیرها را تبیین می‌نمایند. بر این اساس پیشنهاد می‌شود که مدیران و متصدیان تربیتی نسبت به تهیه و اجرای برنامه‌ای جامع در جهت توجه بیشتر به پدیده دین‌گریزی و هدایت دانش‌آموزان به سوی دین‌پذیری مشتاقانه، اهتمام بیشتری داشته باشند.

کلیدواژه‌ها: تربیت دینی، دین‌گریزی، دانش‌آموزان، دوره دوم متوسطه، استان کهگیلویه و بویر احمد.

۱. **استاد به این مقاله:** شجاعی، مسلم؛ عوض‌زاده، ابوطالب (۱۴۰۱). چالش‌های تربیت دینی با رویکرد دین‌گریزی در دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه. *پژوهش در آموزش معارف و تربیت اسلامی*، ۲(۲)، ص ۴۹-۶۶. DOI: 10.22034/riet.2022.11126.1109

تاریخ ارسال: ۱۴۰۰/۱۱/۲۱؛ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۰/۱۲/۱۱؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۱۴

۱. مقدمه

تعلیم و تربیت در زندگی بشر، مهم‌ترین و اساسی‌ترین جنبه زندگی است. هدف اصلی اسلام، تربیت انسان است. مقدمه این تربیت، شناخت انسان با تمام ویژگی‌های اوست که بدون آن تربیت ممکن نیست. مرحله جوانی دوره بسیار حساسی در زندگی انسان محسوب می‌شود. در این زمان پایه‌های سعادت و خوشبختی خود را بنا می‌کند یا باعث تزلزل شخصیت و شقاوت خود می‌شود. اسلام در مجموع يك مکتب تربیتی بوده و هرچه در آن آمده است، به نوعی با تزکیه و تربیت انسان سروکار دارد (صالحی‌زاده و محمدی، ۱۳۹۴).

دین زیباترین جلوه رحمانیت خداوند برای هدایت نوع بشر است. پیدایش آسیب‌های گوناگون در دین و دینداری موجب شده است تا دین آنچنان که باید نقش خود را ایفا نکند و دینداری از رفتار و عملکردهایی آسیب‌بیند که هیچ نسبتی با دین ندارند. بنابراین، تلقی درست از دین مطابق روح دین و اهداف و جهت‌گیری‌های آن و دینداری بر این اساس مهم‌ترین وجه رویکرد و دین و دینداری است. در این مسیر، پیوسته راهزنانی به صورت آفات دین و دینداری ظهور کرده‌اند که شناخت آن‌ها و پرداختن به سلامت و بهداشت دینداری از مهم‌ترین آداب در چنین سیری است (دلشاد تهرانی، ۱۳۹۵).

دینداری و انجام اعمال مذهبی، نیاز انسان در جهان هستی است، نیاز به فهمیدن مبدأ و خود، نیاز به فهمیدن هدف زندگی و نقش انسان در زندگی، نحوه ارتباط با دیگران و پاسخ انسان به جهان هستی از جمله این نیازهای مذهبی است. این نیاز بشر در تمام جوامع و در تمام دوران‌ها وجود داشته و مذهب تنها جواب او در مورد این نیازها و اساس زندگی بسیاری از انسان‌ها بوده است (ساجمن^۱ و ماتپوز^۲). شناسایی آفت‌هایی که در طول این مسیر تربیت دینی ظاهر می‌شود و رفع آن‌ها، بهبود نظام تعلیم و تربیت دینی را در نسل‌های آینده به دنبال خواهد داشت. تعلیم و تربیت دینی محصول کارکرد تمام دستگاه‌های فرهنگی- تربیتی مثل مدرسه، خانواده، رسانه‌های جمعی، تمام نهاد‌های سیاسی، اقتصادی، قضائی در کنار محیط اجتماعی است. وفاداری به باورها و آموزه‌های دینی و تجلی آن در برنامه‌ریزی‌ها و تصمیم‌گیری‌های عوامل مذکور، زمینه‌ساز و تسهیل‌کننده تحقق اهداف تربیت دینی است و عدم پابندی یا کارکردهای نامطلوب آن‌ها به عنوان مانع جدی و آسیب‌زا در فراروی مخاطبان تربیت قرار دارد. شناختن تمایلات طبیعی و تمنیات فطری جوانان و ارضای صحیح و معتدل هر يك از

1. Sachman

2. Matews

آن تمایلات، اساسی‌ترین پایه تربیت نسل جوان است (زارعان، ۱۳۷۹).

در بین جوانان پدیده «دین‌گریزی»^۱ یکی از مشکلات اساسی جوامع انسانی است که همواره دغدغه‌هایی را بر خانواده‌های متدین به وجود آورده و آسیب‌های جدی برای نسل جوان به وجود آورده است. این پدیده سابقه دیرینه دارد و این عنوان به این دلیل طراحی شده است که به پدیده کم‌رنگ شدن عقاید دینی و مذهبی در جوانان نگریسته شود. کسانی که با تعلیم و تربیت اسلامی آشنایی دارند، می‌دانند که دین امری فطری بوده و با فطرت و طبیعت انسان سازگار است (یزدانی و پاسبان کومله، ۱۳۹۵).

از عوامل اصلی پدیده دین‌گریزی، ناسازگاری میان قول و عمل کسانی است که به طرف دین دعوت می‌کنند. عوامل دیگری از جمله غفلت، کوتاهی و تشریح و تبیین صحیح درباره دین و تهاجم فرهنگی نیز تأثیر اساسی و فراوانی در این فرایند دارند. به هر حال، از بهترین و اصلی‌ترین راه‌ها برای جلوگیری از دین‌گریزی جوانان، نشان دادن یک الگوی مناسب برای جوان می‌باشد و منادیان دین و کسانی که به طرف دین دعوت می‌کنند، باید پیش از اینکه جامعه را تبلیغ نمایند، به فکر تزکیه و تهذیب نفس خود باشند، تا مشمول آیه شریفه «لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ» (صف، ۲) نگردند. روشن است که در این بین، توجه به یک عامل خاص، ناشی از عدم توجه به ابعاد دیگر این پدیده است. بنابراین، بروز چنین پدیده‌ای ممکن است عوامل زیادی داشته باشد که می‌توان با نگرش جامعه‌شناختی، آن‌ها را از قرآن استخراج کرد و تحلیل خاص قرآن را در این زمینه به دست آورد (یزدانی و پاسبان کومله، ۱۳۹۵).

هر فردی با مراجعه به زندگی جوانان و مطالعه رفتارهای اجتماعی آن‌ها، این مسئله را به صورت ملموس در خواهد یافت، به گونه‌ای که وقتی در بین جوانان یا برخی از آن‌ها از دین و فرهنگ خودی سخن به میان می‌آید، به صورت علنی بی‌میلی و بی‌علاقگی خود را به دین اظهار می‌کنند. البته باید اذعان کرد که این انکار و زدگی از دین به دلیل خود دین نیست، بلکه علل این مسئله بیشتر به رفتارهای دینداران و مدعیان دین برمی‌گردد. البته با وجود همه این شبهات و تبلیغات، همواره و در همه حال بارقه‌ای از دین و غیرت و حمیت دینی در روح و روان جوانان موج می‌زند. بارقه‌امیدی که سرانجام بسیاری از جوانان را از غوطه‌ور شدن در فرهنگ مبتذل غربی و بیگانه‌بازمی‌دارد و آنان را به آغوش پر محبت دین بازمی‌گرداند (عباسی، ۱۳۸۶).

اهمیت بررسی آسیب‌های تربیت دینی در دانش‌آموزان، برای نظام مقدس ما بسیار حائز اهمیت است. این اهمیت و بررسی و تحلیل دشواری‌های تربیت دینی، در گرو شناخت منشاء آسیب‌هایی

است که در تربیت دینی رخداده است. شناخت آسیب‌های پیش روی تربیت دینی دانش‌آموزان و بررسی منشاء پیدایش این آسیب‌ها، کمک می‌کند تا در جهت رفع آنها برنامه‌ریزی‌های دقیق‌تری انجام شود و از برخورد سطحی با آنها پرهیز گردد. ضرورت بررسی این موضوع در مقطع زمانی کنونی نیز به دلیل شرایط خاص فرهنگی و اجتماعی جامعه و هجوم مولفه‌های فرهنگ غربی به ویژه در بین جوانان و پیامدهای ناشی از آن است که انجام چنین پژوهش‌هایی را در این مقطع زمانی ایجاب می‌کند. نگاهی به فعالیت‌های انجام شده فوق و این موضوع که یکی از مهم‌ترین مسائلی که توجه اغلب صاحب‌نظران و متخصصان تعلیم و تربیت را به خود جلب نموده، رویکرد طرح نوین تربیت دینی در حوزه نظام آموزش و پرورش است، که از آن‌ها به عوامل آسیب‌زا در حوزه تربیت دینی یاد می‌شود. مهم‌ترین مسئله در این پژوهش، گفتمان آسیب‌شناسی تربیت دینی با رویکرد دین‌گزیزی بوده و هدف از انجام آن بررسی و شناخت عوامل و متغیرهایی است که متوجه این جنبه از تربیت دانش‌آموزان در شرایط فعلی بوده و تشخیص آن، نوعی پیشگیری و در حقیقت، تلاشی مشفقانه برای افزایش مصونیت تربیت دینی از آفات است. در واقع هدف اصلی از آسیب‌شناسی، تکمیل و تأمین فرایندهای مناسب برای دفع یا رفع آفات و آسیب‌ها می‌باشد.

در آموزش و پرورش کشورمان، بر تربیت دینی دانش‌آموزان تأکید زیادی می‌شود. پیشرفت و توسعه هر کشوری مرهون موفقیت و رشد نظام تعلیم و تربیت آن کشور بوده و پرداختن به حوزه تربیت دینی در آن نظام از عناصر اصلی پیشرفت است. اما در گام اول برای حصول اهداف برنامه‌های تربیت دینی باید آسیب‌های پیرامون آن را شناخت. از این‌رو، مسئله اصلی پژوهش حاضر بررسی عوامل موثر در دین‌گزیزی از دیدگاه دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه است.

۲. پیشینه پژوهش

بررسی پیشینه پژوهش‌های انجام شده در زمینه عوامل موثر در دین‌گزیزی نشان‌دهنده پژوهش‌های متعددی است که از ابعاد مختلفی به این موضوع پرداخته‌اند. هرچند درصد بالایی از این پژوهش‌ها به روش کتابخانه‌ای و با استفاده از منابع مکتوب موجود انجام شده است، با این وجود پژوهش‌های سال‌های اخیر نشان‌دهنده افزایش بکارگیری رویکرد کمی^۱ در شناسایی این عوامل می‌باشد. حاجی ده‌آبادی (۱۳۸۰)، در پژوهشی به آسیب‌شناسی تربیت دینی با روش الگوپردازی پرداخته

1. Quantities method

است. این پژوهش تاریخی جلوه دادن اسوه‌های دینی، تعمیم‌های الگویی نادرست، فرانسائی جلوه دادن الگوهای دینی، تقدس‌زدایی از الگوهای دینی، عدم ارائه مصادیق و نمونه‌های واضح از زندگی الگوها و پردازش مبهم الگوهای دینی را از آسیب‌های تربیت دینی معرفی می‌کند.

چراغ چشم (۱۳۸۶)، در پژوهشی دیگر، تربیت دینی مبتنی بر الزام و اجبار، بی‌توجهی به عواطف جهت انتقال باورهای دینی^۱، پرداختن به جنبه‌های رفتاری تربیت دینی به جای جنبه معرفتی، عدم بهره‌مندی از معلمان متخصص و متدین در امر تربیت دینی، نداشتن برنامه جامع تربیت دینی در تمام سنین، کارایی ضعیف مربیان قرآن و عدم توانمندی آنها در امر تدریس و عدم استفاده از وسایل کمک آموزشی را از آسیب‌های تربیت دینی معرفی کرده است.

دلبری (۱۳۸۷)، در پژوهشی با عنوان آسیب‌های تربیت دینی و تعلیم و تربیت از دیدگاه شهید بهشتی، از بی‌توجهی به نیازهای جسمی افراد، نقش الگویی والدین، تضاد میان دو نسل، تضاد میان برنامه‌ریزی‌های محیط اجتماعی و رسانه‌ها با اهداف تعلیم و تربیت دینی، عدم مطابقت قول و فعل مربیان، عدم توجه به تفاوت‌های فردی و نداشتن جاذبه به عنوان آسیب‌های تربیت دینی اشاره شده است.

نگارش و دامن پاک مقدم (۱۳۸۸)، در پژوهشی، استفاده از روش‌های نادرست در تربیت اسلامی، عدم توجه به ساختار روان‌شناسی دوره نوجوانی، ضوابط نادرست آموزش و پرورش در سیاست‌گذاری‌ها و ارزیابی دروس دینی و قرآن، برنامه‌ریزی نادرست و امکانات کم مدرسه را از عوامل آسیب‌زا در تربیت دینی مدارس بیان کرده است.

معافی و اشرافی (۱۳۹۲)، در تحقیقی با عنوان عوامل موثر بر دین‌پذیری و دین‌گریزی جوانان از دیدگاه جوانان نشان دادند که نوع تربیت خانواده‌ها، رابطه دوستان و همسالان، عملکرد افراد مذهبی^۲، رسانه‌های گروهی و شناخت فردی، بر دین‌پذیری جوانان تاثیر دارد. در جامعه دانشجویی و دانش‌آموزی نیز بیشترین تاثیر را به ترتیب شناخت و آگاهی از دین، نوع تربیت خانواده، عملکرد مربیان و افراد مذهبی، رابطه دوستان و همسالان و رسانه‌های گروهی دارند.

بهرامی (۱۳۸۳)، در پژوهشی با عنوان دین‌گریزی، عوامل و راه‌حل‌ها در پرتو قرآن، دین را از نگاه قرآن، مجموعه‌ای از باورها و رفتارها با محوریت یک موجود برتر تعریف کرده و پس از اشاره به بیشینه

-
1. Religious belivese
 2. Religious people

دین‌گزیزی، عوامل دین‌گزیزی را همچون محیط، دوستان و مربیان، فشار و خشونت، ناکارآمد دیدن دین، شک و تردید، ناسازگاری با عقل، ناسازگاری با علم، فقر، روان‌پریشی، سخنگویان دین، خواسته‌های نفسانی، تهاجم دینی و گسترده‌گی شریعت با استناد به آیات قرآن به تفصیل مورد بررسی قرار داده است.

رحمان‌پور، میرشاه جعفری (۱۳۹۴)، در پژوهشی با عنوان آسیب‌های تربیت دینی و ارائه راهکارهای مناسب از دیدگاه صاحب‌نظران با رویکرد برنامه‌ریزی درسی، نشان دادند که تربیت دینی یکی از مهم‌ترین جنبه‌های مهم تربیت بشمار می‌رود و به لحاظ اینکه دارای مؤلفه‌های اعتقادی، الزامی^۱، تجربه‌درونی^۲ و عمل است، بر تمام شئون زندگی آدمی تأثیر گسترده‌ای دارد. با این وجود، این نوع از تربیت چه در حالت رسمی و چه در حالت غیررسمی خود، آسیب‌هایی دارد، از جمله ضعف دینی، فقر فرهنگی و تبعیض، که همواره آن را با چالش روبه‌رو کرده است.

همچنین نوربخش و اویسی فردویی (۱۳۹۵)، نیز در پژوهشی با عنوان دینداری و الگوی تربیتی خانواده^۳ (بررسی تأثیرات خانواده بر رفتار دینی نوجوانان در شهر تهران)، دریافتند که نحوه تعامل والدین^۴ با فرزندان می‌تواند بر رفتار فرزندان و دینداری آنان تأثیرگذار باشد.

در پژوهش دیگری که توسط یزدانی و پاسبان کومله (۱۳۹۵)، با عنوان آسیب‌شناسی اجتماعی دین‌گزیزی و گرایش جوانان به فرهنگ غرب انجام شد، یافته‌های این پژوهش نقش خانواده و تربیت جوانان را از سوی والدین بسیار چشمگیر دانسته و این عامل می‌تواند پیامدهای مثبت و حتی منفی برای جوانان داشته باشد. شناخت جوان امروزی و تبلیغ مبلغین نیز متناسب با نیازهای جوان امروزی، خانواده مربیان، رسانه‌های جمعی، مساجد می‌توانند در پیشگیری از دین‌گزیزی جوانان تأثیرگذار باشند.

محمودی (۱۳۹۷)، در پژوهشی با عنوان «آسیب‌شناسی تربیت دینی دانش‌آموزان دوره متوسطه دوم از نظر دبیران معارف اسلامی و مشاوران مدارس»، نشان داد که روزآمد نبودن دانش دبیران معارف اسلامی و مربیان پرورشی، ناآشنایی برخی از معلمان و والدین دانش‌آموزان با خصوصیات دوره بلوغ، ناکافی بودن برنامه‌های پرورشی مدارس، تأثیر مخرب بیکاری فزاینده جوانان بر روحیه دینی دانش‌آموزان، وجود فقر در برخی از خانواده‌ها، الگوبرداری نامناسب برخی دانش‌آموزان از چهره‌های

-
1. Obligation
 2. Inner experience
 3. Family educational model
 4. Parent interaction

هنری و ورزشی، نمره محوری و تاکید بر حفظ مفاهیم از مهم‌ترین چالش‌ها و موانع تربیت دینی در دوره متوسطه دوم است.

۳. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف به عنوان پژوهشی کاربردی و بر اساس نوع سؤال‌های تدوین شده، توصیفی از نوع تحلیل عامل اکتشافی^۱ بشمار می‌رود. جامعه آماری مورد بررسی کلیه دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه در استان کهگیلویه و بویراحمد هستند که در سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱۳۹۸ در مدارس این استان مشغول به تحصیل بودند. نمونه پژوهش ۳۲۰ نفر از دانش‌آموزان بودند که با در نظر گرفتن جدول گرجسی و مورگان^۲ به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. پس از مطالعه و بررسی منابع موجود و پرسش از معلمان، اولیاء و دانش‌آموزان، در مرحله اول فهرستی ۵۶ ماده‌ای از کلیه عوامل موثر در دین‌گزینی دانش‌آموزان تهیه گردید و روی هر یک از مواد مطرح شده، بررسی‌های لازم صورت گرفت که در نهایت با حذف مواد تکراری و مواردی که همپوشانی داشتند، ۴۴ ماده برای نظرخواهی از اساتید انتخاب شد.

در مرحله دوم با نظرخواهی از ۵ نفر از متخصصان حوزه تربیت دینی و روانشناسی دینداری در آموزش و پرورش و انجام ویرایش روی فهرست آیتم‌های استخراج شده، تعداد ۴ آیتم که مناسب تشخیص داده نشد، حذف گردید. در این مرحله با نظر متخصصان، تعداد ۲ آیتم اضافه شد و مجموعه آیتم‌ها به ۴۲ آیتم رسید.

این مقیاس ۴۲ ماده‌ای طی یک مطالعه مقدماتی در اختیار ۵۰ نفر از دانش‌آموزان قرار گرفت تا آن را به دقت مورد ارزیابی قرار داده و مواد نامرتبط، نامناسب، تکراری یا مبهم را شناسایی کنند. بازخورد دانش‌آموزان نسبت به ماده‌های مقیاس و نیز بازنگری مجدد پژوهشگر و استاد راهنما، در ۳۵ سؤال تهیه و تنظیم گردید.

در مرحله آخر، به کمک یکی از اساتید رشته ادبیات مورد بازمینی و بررسی ساختار دستوری و نگارشی قرار گرفت و در نهایت پرسشنامه‌ای با ۳۵ آیتم با طیف لیکرت در ۵ گزینه کاملاً موافقم، موافقم، نظری ندارم، مخالفم و کاملاً مخالفم، روی جامعه نمونه اجرا و مورد بررسی قرار گرفت. برای بررسی روایی این مقیاس از روایی محتوا استفاده گردید که در آن نظر اساتید و دانش‌آموزان

1. Exploratory Factor Analysis
2. Gersei and morgan

جمع‌آوری شد. پس از توزیع مقیاس اولیه بین این افراد، از آنها خواسته شد ضمن پاسخ‌گویی به سوال‌ها، نظرات خود را نسبت به واضح و روشن بودن عبارت‌ها اعلام کنند. پس از بررسی نظرات آن‌ها، سوال‌های نامأنوس حذف گردید و همچنین ماده‌هایی افزوده شد. در نهایت نتایج حاکی از تأیید جنبه‌های مختلف مقیاس از سوی متخصصان این حوزه بود. برای محاسبه پایایی مقیاس نیز از روش آلفای کرونباخ استفاده شد که مقدار آن $0/75$ بدست آمد.

به منظور تجزیه و تحلیل داده‌های این تحقیق از روش‌های آمار توصیفی و آمار استنباطی (آزمون تحلیل عاملی اکتشافی) استفاده شد.

۴. یافته‌های پژوهش

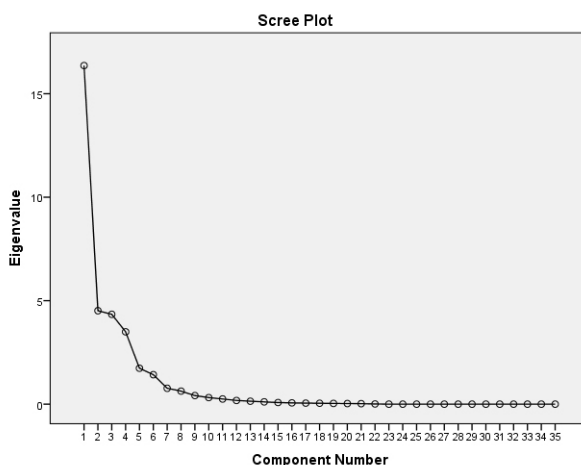
اندازه‌های KMO و نتایج آزمون بارتلت، برای ماتریس همبستگی‌های حاصل در گروه نمونه، در جدول شماره (۱) آمده است.

جدول ۱- اندازه‌های KMO و نتایج آزمون کرویت بارتلت

KMO	کرویت	سطح معناداری
۰/۶۷	۴۰۶/۴۲	۰/۰۰۱

همان‌طور که داده‌های جدول شماره (۱) نشان می‌دهد، مقدار KMO برابر با $0/67$ و سطح معنادار بودن آزمون کرویت بارتلت نیز کم‌تر از $0/001$ است. بنابراین، بر پایه هر دو ملاک می‌توان نتیجه گرفت که اجرای تحلیل عاملی بر اساس ماتریس همبستگی حاصل دو گروه نمونه مورد مطالعه، قابل توجیه خواهد بود. بر پایه این داده‌ها می‌توان به استخراج فاکتورها اطمینان کرد. به منظور استخراج فاکتورهای مناسب و هماهنگ با ساختار فرهنگی و اجتماعی گروه نمونه، چندین بار تحلیل فاکتوری با راه‌حل‌های مختلف اجرا شد. تحلیل اولیه، ساختار ۸ فاکتوری با واریانس تبیین شده $63/11$ را به دست داد. این ساختار دارای تعدادی ماده نامفهوم و همپوش بود. با اجرای راه‌حل‌های متعدد و حذف ۸ ماده مغشوش در ساختارهای ۹، ۸ و ۷ فاکتوری، تصمیم بر آن شد تا از ساختار نمودار Scree (شکل ۱) جهت ادامه تحلیل و اتخاذ راه‌حل مناسب استفاده شود. از نمودار Scree می‌توان استنباط کرد که سهم فاکتور یکم و دوم در واریانس کل متغیرها چشمگیر و از سهم بقیه فاکتورها کاملاً متمایز است، اما این نمودار نشان نمی‌دهد که مجموعه مواد مقیاس واقعاً از چند فاکتور اشباع شده است، زیرا این نمودار بعد از فاکتور نهم، به صورت یکنواخت درمی‌آید، اما شیب شدید آن از فاکتور ششم اوج می‌گیرد و فلات نمودار در حقیقت از فاکتور ششم شروع می‌شود. با توجه به این مسأله و حذف ماده‌های زیادی از مقیاس در

ساختار ۹، ۸ و ۷ فاکتوری، راه‌حل ۶ فاکتوری که کم‌ترین ماده‌های حذف شده را ممکن می‌ساخت، مناسب تشخیص داده شد و این راه‌حل برای پژوهش انتخاب گردید.



شکل ۱- نمودار Scree مجموعه ۳۵ ماده‌ای مقیاس عوامل موثر در دین‌گرایی از دیدگاه دانش‌آموزان

مشخصه‌های آماری اولیه که در اجرای تحلیل مولفه‌های اصلی (یا روش pc) بدست آمده، در جدول شماره (۲) ارائه شده است. این میزان درصد در بین متغیرها برای این ۶ فاکتور و بر روی هم ۹۱/۰۵ درصد کل واریانس متغیرها را روشن می‌کند. در این میان فاکتور یکم با ارزش ویژه ۱۶/۳۶ در حدود ۴۶/۷۲ درصد واریانس کل، فاکتور دوم با ارزش ویژه ۴/۵۱ در حدود ۱۲/۸۹ درصد واریانس کل، فاکتور سوم با ارزش ویژه ۴/۳۴، در حدود ۱۲/۴۰ درصد واریانس کل، فاکتور چهارم با ارزش ویژه ۳/۴۹، در حدود ۹/۹۸ درصد واریانس کل، فاکتور پنجم با ارزش ویژه ۱/۷۳، در حدود ۴/۹۶ درصد واریانس کل و در نهایت فاکتور ششم با ارزش ویژه ۱/۴۲، در حدود ۴/۰۶ درصد واریانس کل را تبیین می‌کند.

جدول ۲- مقادیر ارزش ویژه و درصد واریانس عوامل شش‌گانه

عامل	ارزش ویژه	درصد واریانس
ویژگی‌های شخصی و عاطفی	16.360	46.742
ویژگی‌های فرهنگی- اجتماعی	4.514	12.898
فقدان برنامه‌ریزی مناسب در حوزه مسائل دینی	4.342	12.405
خانواده و دوستان	3.494	9.982
پدیده دین‌گرایی و سخت‌گیری‌های بی‌مورد	1.736	4.960
ویژگی‌های اقتصادی	1.423	4.066

به منظور به دست آوردن ساختاری با معنا از بارهای عاملی، فاکتورهای استخراج شده بر پایه روش‌های متداول و با استفاده از چرخش متمایل، به محورهای جدید که نسبت به هم با زاویه‌ای غیر قائم قرار می‌گیرند، انتقال داده شد. پس از چندین بار اجرای تحلیل عاملی و استخراج فاکتورهای متعدد و مقایسه فاکتورهای استخراج شده با ساختار نظری مقیاس و مبانی نظری موجود و نیز در نظر گرفتن مفروضه‌های تحلیل عاملی که در بالا به آنها اشاره گردید، تصمیم گرفته شد که تعداد ۶ فاکتور با روش ابلیمین^۱ مستقیم استخراج شود.

برای تحلیل عوامل پرسشنامه علل دین‌گزیزی در دانش‌آموزان دوره متوسطه، یکی از روش‌های آماری برای تجزیه و تحلیل اطلاعات موجود در مجموعه داده‌ها، روش تجزیه عامل‌ها یا تحلیل عاملی است. عمده‌ترین هدف استفاده از تحلیل عاملی، کاهش حجم داده‌ها و تعیین مهم‌ترین متغیرهای مؤثر در شکل‌گیری پدیده‌ها است.

تحلیل عاملی از جمله روش‌های چندمتغیره است که در آن، متغیرهای مستقل و وابسته مطرح نیست، زیرا این روش جزء تکنیک‌های هم‌وابسته محسوب می‌گردد و کلیه متغیرها نسبت به هم وابسته‌اند. تحلیل عاملی تکنیکی است که کاهش تعداد زیادی از متغیرهای وابسته به هم را به صورت تعداد کوچک‌تری از ابعاد (عامل) پنهان یا مکنون، امکان‌پذیر می‌سازد، به طوری که در آن کم‌ترین میزان گم شدن اطلاعات وجود داشته باشد و هدف اصلی آن خلاصه کردن داده‌ها به گونه‌ای است که داده‌هایی که به هم قرابت و نزدیکی دارند، بر عامل یکسانی قرار گیرند. این روش به بررسی همبستگی درونی تعداد زیادی از متغیرها می‌پردازد و در نهایت آن‌ها را در قالب عامل‌های محدودی دسته‌بندی و تبیین می‌کند. بنابراین، ارزش تحلیل عاملی این است که طرح سازمانی مفیدی به دست می‌دهد که می‌توان آن را برای تفسیر انبوهی از رفتار با بیشترین صرفه‌جویی در سازه‌های تبیین‌کننده، بکار برد.

قبل از اجرای تحلیل عاملی، مفروضه‌های زیر جهت اعتبار تحلیل در نظر گرفته شد:

۱. شاخص کفایت نمونه‌برداری (KMO) باید حداقل ۰/۷ و ترجیحاً بالاتر از آن باشد.

۲. نتیجه آزمون کرویت بارلت باید از لحاظ آماری معنادار باشد.

۳. بار عاملی ماده‌ها در ماتریس عاملی و ماتریس چرخش یافته، باید حداقل ۰/۴۰ و ترجیحاً بالاتر

از آن باشد.

۴. هر يك از فاکتورها باید حداقل متعلق به سه ماده باشد.

۵. فاکتورها باید از پایایی کافی برخوردار باشند.

به منظور بررسی اینکه آیا ماتریس همبستگی داده‌ها در جامعه صفر نیست، از آزمون کرویت بارتلت استفاده شد. مقصود از اجرای این آزمون در فرضیه صفر مبنی بر درست بودن ماتریس همبستگی، یعنی ماتریسی است که عناصر غیر قطری آن در جامعه صفر باشد. آزمون بارتلت این فرضیه که ماتریس همبستگی‌های مشاهده شده، متعلق به جامعه‌ای با متغیرهای وابسته است را می‌آزماید. برای آنکه يك مدل عاملی، مفید و دارای معنا باشد، لازم است متغیرها همبسته باشند، در غیر این صورت، دلیلی برای تبیین مدل عاملی وجود ندارد. اگر این فرضیه که متغیرها با هم رابطه ندارند، رد نشود، کاربرد مدل عاملی زیرسؤال خواهد بود و بنابراین، باید در آن تجدید نظر شود.

همچنین اندازه KMO منعکس کننده کفایت نمونه‌برداری است. ارقام کوچک KMO بیانگر آن است که همبستگی بین زوج متغیرها را نمی‌توان از طریق سایر متغیرها تبیین کرد و بنابراین ممکن است کاربرد روش تحلیل عاملی، مناسب نباشد. سرنی و کیزر^۱ (۱۹۷۷) معتقدند وقتی که KMO بیشتر از ۰/۷ باشد، به راحتی می‌توان تحلیل عاملی کرد و هرچه این مقدار بیشتر باشد، مناسبت نمونه‌برداری بیشتر خواهد بود.

اندازه‌های KMO و نتایج آزمون بارتلت برای ماتریس همبستگی‌های حاصل در گروه نمونه، در جدول شماره (۳) ارائه شده است.

جدول ۳- عوامل و ماده‌های استخراج شده نهایی در پرسشنامه ۳۵ ماده‌ای

عامل	ردیف	ماده
	۱	احساس ناکارآمدی دین در زندگی
	۲	فقدان برنامه‌ریزی مشخص در زندگی
ویژگی‌های	۳	ناامیدی نسبت به آینده
شخصی و	۴	پیروی از هوی و هوس
عاطفی	۵	شرایط روحی- روانی نامطلوب
	۶	غلبه هیجانات بر تفکر و استدلال دینی
	۷	نداشتن مهارت اساسی در زندگی

عامل	ردیف	ماده
	۸	رواج افراطی فرهنگ غربی در جوامع اسلامی
	۹	تهاجم گسترده فرهنگی از طریق شبکه‌های اجتماعی تلفن همراه
ویژگی‌های	۱۰	بی‌اعتمادی به مسئولین و متولیان دینی
فرهنگی -	۱۱	عدم انعکاس اخبار واقعی در رسانه ملی و تکیه بر اطلاعات فضای مجازی و بیگانه
اجتماعی	۱۲	حذف دین از زندگی توسط متجددین
	۱۳	سوءاستفاده سیاسی از دین
	۱۴	بی‌تفاوتی و بهاء ندادن جامعه به مذهب
	۱۵	ناتوانی در برابر شبهات و سوالات دینی
فقدان	۱۶	عدم صلاحیت بعضی از دبیران و مربیان موجب دین‌گزیزی در جوانان می‌شود.
برنامه‌ریزی	۱۷	عدم استفاده از پتانسیل سایر دبیران در انجام برنامه‌های فرهنگی تربیتی
مناسب در	۱۸	رها شدن بدون چتر حمایتی در جامعه
حوزه مسائل	۱۹	سرخورگی از مذهب‌یون ناکارآمد
دینی	۲۰	عدم کارایی برنامه‌های پرورشی مدارس در اجرای برنامه‌های فرهنگی - تربیتی
	۲۱	رابطه با دوستان و همسالان ناباب
	۲۲	کم‌اطلاعی والدین در شناخت معارف اصیل دینی
خانواده و	۲۳	سخت‌گیری والدین در مسائل مذهبی
دوستان	۲۴	بی‌تفاوتی و عدم توجه خانواده‌ها به مسائل مذهبی
	۲۵	وجود فرزندان بزرگ‌تر ناصالح در محیط خانه
	۲۶	محل سکونت و جو حاکم بر آن
	۲۷	ارائه تصویری ناصحیح و آمیخته با تحریف و خرافه از مذهب و عقاید مذهبی
پدیده	۲۸	اجرای فرمالیته دین در مدرسه
دین‌گزیزی و	۲۹	بی‌توجهی یا کم‌توجهی مسئولان نهادهای فرهنگی کشور به ارزش‌های اصیل دینی
سخت‌گیری‌های	۳۰	تاکید بر مسائل سیاسی و حزبی به جای دین
بی‌مورد	۳۱	عدم درک روحیه لطیف نوجوانان از سوی متصدیان امور دینی
	۳۲	فقر و مشکلات اقتصادی
ویژگی‌های	۳۳	بی‌کاری فزاینده
اقتصادی	۳۴	رفاه و آسایش بیش از حد
	۳۵	شکاف مالی بین طبقات مختلف جامعه

نکته مهمی که از بررسی نتایج عوامل به دست آمده در این پژوهش مشاهده می‌شود، تغییرات و تفاوت‌هایی است که در مقایسه با پژوهش‌های گذشته دیده می‌شود. دانش‌آموزان شرکت‌کننده در این مطالعه علاوه بر مقصر دانستن نقش عوامل خارجی از جمله مسائل و موضوعات فرهنگی و تهاجم

فرهنگی از بیرون از کشور، بیشتر علل دین‌گریزی را در سیاست‌های کلی و جزئی حاکم دانسته و به روشنی عدم اعتماد خود را از مسئولان و متولیان امور دینی ابراز نموده‌اند و حتی پار را فراتر نهاده و علل دین‌گریزی خود را در تاکید صرفاً مسائل سیاسی و حزبی به جای دین و شعارهای سیاسی که با مقاصد مختلفی دنبال می‌شود، دانسته‌اند. در دیدگاه آنان عواملی وجود دارد که نشان‌دهنده احساس ناایمنی و رها شدن بدون چتر حمایتی در جامعه می‌باشد و مشکلاتی چون سرخوردگی از مذهبیین ناکارآمد، به عنوان نکاتی قابل تأمل از سوی آنان مطرح شده است.

بر اساس نتایج به دست آمده در این پژوهش، آسیب‌های موجود و علل دین‌گریزی در هر کدام از حوزه‌های مورد بحث، نشان‌دهنده عدم انتخاب رویکرد عقلانی به دین بوده، و بیشتر ناشی از برداشت‌های نادرست افراد از تربیت دینی می‌باشد که ممکن است ناشی از تعصبات فردی و گروهی یا جمعی، اعمال فشار، تمایلات ملی و مذهبی و از همه مهم‌تر کج‌فهمی از دین و آموزه‌های دینی باشد. در این راستا، مصاحبه‌شوندگان راهکار اصلی را در این زمینه بر انتخاب روش منطقی و عقلانی قرار داده و روشی منطبق با احساس نیاز قلبی و برگرفته از شناخت و معرفت دینی در جوانان را پیشنهاد داده‌اند. بر این اساس باید گفت که همراه ساختن عمل (کاربرد) و علم دینی (نظریه) در درون برنامه‌های پیش‌بینی شده برای دین‌پذیری دانش‌آموزان باید در اولویت خط‌مشی‌ها و سیاست‌های آموزشی قرار گیرد، به طوری که با انتخاب محتوای گوناگون نظری و عملی متناسب با نیازهای فراگیران و انتخاب روش‌های یادگیرنده‌محور و مبتنی بر فعالیت وی می‌توان به این مهم دست یافت.

لازمه اجرای چنین رسالتی نیازمند ارائه برنامه‌ای مدون و جامع در ابعاد مختلف بوده و همکاری و همیاری همزمان مردم و مسئولان را می‌طلبد. برنامه‌ای که فراگیران آن، به وسعت تمام مردم جامعه می‌باشد و در آن هم از بعد فرهنگی باید اطلاعات و معلومات جوانان را درباره دین و آموزه‌های دینی افزایش داد و هم بر توانمندی‌های آنان در زمینه‌هایی چون اجرای فرائض، مباحثه دینی، نوشتن و خواندن تفسیری و انتقادی درباره دین تأکید نمود. به علاوه، باید نگرش‌ها و تفکرات و علاقه‌مندی آنها را به دین پرورش داد، به گونه‌ای که حس شایستگی دینی در آنان افزایش یابد.

۵. نتیجه‌گیری

در این پژوهش، پس از مقایسه فاکتورهای استخراج شده با ساختار نظری مقیاس و مبانی نظری موجود و نیز در نظر گرفتن مفروضه‌های تحلیل عاملی و محتوای هر یک از عوامل استخراج شده، شش عامل زیر به دست آمد.

در عامل اول موضوعاتی چون عوامل شخصی و درونی در فرد دیده می‌شود و ۷ ماده را به خود اختصاص داده است. این عامل با عنوان ویژگی‌های شخصی و عاطفی، نامگذاری گردیده است. این عامل در پژوهش‌های نگارش و پاک دامن (۱۳۸۸)، رحمان‌پور و میرشاه جعفری (۱۳۹۴) و محمودی (۱۳۹۷) نیز نشان داده شده است.

عامل دوم (ویژگی‌های فرهنگی - اجتماعی)، شامل موضوعاتی چون مسائل فرهنگی در جامعه می‌باشد و به مشکلاتی چون رواج افراطی فرهنگ غربی در جوامع اسلامی و القای ناتوانی دین در حل مشکلات جوانان اشاره دارد. این عامل ۷ ماده را به خود اختصاص داده است. بخش‌هایی از ماده‌های تشکیل‌دهنده این عامل در پژوهش‌های دلشاد تهرانی (۱۳۹۵)، حاجی ده‌آبادی (۱۳۸۰)، بهرامی (۱۳۸۳) و رحمان‌پور و میرشاه جعفری (۱۳۹۴) نیز نشان داده شده است.

در عامل سوم (فقدان برنامه‌ریزی مناسب در حوزه مسائل دینی)، موضوعاتی چون عدم برنامه‌ریزی درست و کامل در حوزه مسائل دینی دیده می‌شود و عواملی چون ناتوانی در برابر شبهات و سوالات دینی جوانان و عدم صلاحیت بعضی از معلمان و مربیان، مطرح گردیده است. این عامل ۶ ماده را به خود اختصاص داده است. تعدادی از ماده‌های تشکیل‌دهنده این عامل در پژوهش‌های کریمی (۱۳۹۴) و شمشیری و نوذری (۱۳۹۰) نیز نشان داده شده است.

در چهارمین عامل موضوعاتی چون خانواده، محیط و دوستان دیده می‌شود. این عامل ۶ ماده را به خود اختصاص داده است و با عنوان خانواده و دوستان نامگذاری شده است. این عامل در پژوهش‌های قایمی مقدم (۱۳۸۵)، صالحی‌زاده و محمدی (۱۳۹۴) و نوربخش و اویسی فردویی (۱۳۹۵) نیز دیده می‌شود.

پنجمین عامل به دست آمده در این پژوهش شامل موضوعاتی چون غفلت و بی‌توجهی به پدیده دین‌گریزی و سخت‌گیری‌های بی‌مورد می‌باشد. این عامل ۵ ماده را به خود اختصاص داده است و با عنوان بی‌توجهی به پدیده دین‌گریزی و سخت‌گیری‌های بی‌مورد نامگذاری شده است. این عامل در پژوهش قایمی مقدم (۱۳۸۵) و شمشیری و نوذری (۱۳۹۰) نیز آمده است.

در آخرین عامل، مسائلی در زمینه اقتصاد و بیکاری جوانان مطرح شده است. این عامل ۴ ماده را به خود اختصاص داده و با عنوان ویژگی‌های اقتصادی نامگذاری شده است. تعدادی از ماده‌های این عامل در پژوهش بهرامی (۱۳۹۳)، رحمان‌پور و میرشاه جعفری (۱۳۹۴) و محمودی (۱۳۹۷) نیز نشان داده شده است.

۶. محدودیت‌های پژوهش

پژوهش حاضر نیز مانند هر پژوهش دیگری با محدودیت‌ها و موانعی روبه‌رو بوده است که عبارتند از: نگرش سنج بودن پژوهش حاضر و وابسته بودن آن به ادراکات و اینکه ممکن است اظهارات مطرح شده از سوی شرکت‌کنندگان، صد درصد واقعی نباشد.

۷. پیشنهادهای پژوهش

با توجه به نتایج بدست آمده، پیشنهاد می‌شود:

- آموزه‌ها و معارف ناب اسلامی به صورت مطالب کاربردی و قابل اجرا در شوون مختلف زندگی انسان‌ها تبدیل گردد.
- برنامه‌های همیاران سلامت روان با هدف مشارکت دانش‌آموزان به ویژه در پیشگیری اولیه (سطح اول) از آسیب‌های اجتماعی گسترش یابد.
- برنامه‌ریزی مناسب برای تنظیم اوقات فراغت نوجوانان و جوانان فراهم گردد.
- تقویت ارتباط میان والدین دانش‌آموزان با مربیان و عدم واگذاری مسئولیت تربیت فرزندان به مدرسه یا خانواده به تنهایی.
- مراکز مشاوره‌ای مفید و کارآمد در مدارس تقویت شود.
- بهاء دادن به مسئله ترك تحصیل و یا اخراج دانش‌آموزان از مدرسه و ضرورت ارتباط با خانواده‌های آنان و تلاش در جهت رفع موانع موجود.
- تقویت و گسترش فعالیت ورزشی در مدارس باعث توان و شادابی نسل امروز می‌شود.
- ایجاد مراکز آموزشی، ورزشی، تفریحی و مشاوره‌ای برای گذران اوقات فراغت نوجوانان و جوانان.
- ارتقاء سطح آگاهی اساتید دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی، معلمان، مربیان، مددکاران اجتماعی، روانشناسان، مشاوران در زمینه آسیب‌های اجتماعی.
- اصلاح رفتاری مسئولین نظام و دولت، تا علاوه بر متخلق بودن به اخلاق و رفتار اسلامی، کمر همت به رفع نیازهای جامعه اسلامی ببندند تا جلوی برخی از آفت‌ها و موج‌های دین‌گریزی که به علت فقر و معضلات اقتصادی و فرهنگی به وجود می‌آید، گرفته شود.
- الگوسازی صحیح و قابل اقتداء از ائمه(ع) و صلحای مومنین برای نسل جوان تشنه معارف، باعث معرفت بیشتر این نسل خواهد شد.

- دقت و سرعت عمل نهادهای مربوطه برای مقابله با تهاجم فرهنگی دشمنان تا قبل از اینکه به یک معضل فرهنگی - دینی تبدیل شود.
- مدیران و متصدیان فرهنگی نسبت به تهیه و اجرای برنامه‌ای جامع در جهت توجه بیشتر به پدیده دین‌گزیزی و هدایت دانش‌آموزان به سوی دین‌پذیری مشتاقانه، اهتمام بیشتری داشته باشند.

۸. تشکر و قدردانی

از کلیه مدیران، معلمان و دانش‌آموزان و همچنین پرسش‌گران گرامی که در اجرای این پژوهش و علی‌رغم شرایط شیوع بیماری کرونا و بُعد مسافت استان کهگیلویه و بویراحمد، با پژوهشگران همراهی نمودند، تشکر و قدردانی می‌شود.

— منابع —

قرآن کریم.

بهرامی، محمد (۱۳۸۳). دین‌گریزی: عوامل و راه‌حل‌ها در پرتو قرآن. پژوهش‌های قرآنی (ویژه‌نامه قرآن و آسیب‌های اجتماعی)، شماره ۳۷-۳۸.

چراغ چشم، عباس (۱۳۸۶). آسیب‌شناسی تربیت اخلاقی و تربیت دینی در مدارس. کتاب نقد، ۴۲، ص ۵۷-۶۲.
حاجی‌ده‌آبادی، محمدعلی (۱۳۸۰). آسیب‌شناسی روش اسوه‌پردازی در تربیت دینی، تربیت اسلامی ویژه آسیب‌شناسی تربیت دینی. تهران: نشر تربیت اسلامی، کتاب ششم.
دلبری، سید محسن (۱۳۸۷). آسیب‌های دینی و تعلیم و تربیت از نگاه آیت‌الله دکتر بهشتی. رشد آموزش معارف، ۶۹، ص ۵۶-۶۹.

دلشاد تهرانی، مرتضی (۱۳۹۵). آسیب‌شناسی دین و دینداری در نهج‌البلاغه. تهران: انتشارات دریا، چاپ چهارم.
رحمان‌پور، محمد؛ میرشاه جعفری، سید ابراهیم (۱۳۹۴). آسیب‌های تربیت دینی و ارائه راهکارهای مناسب از دیدگاه صاحب‌نظران با رویکرد برنامه‌ریزی درسی. پژوهش در مسایل تعلیم و تربیت، ۲۴(۳۲)، ص ۳۱-۵۲.
زارغان، محمدجواد (۱۳۷۹). تربیت دینی، تربیت لیبرال. معرفت، شماره ۳۳.

شمشیری، بابک؛ نوذری، مرضیه (۱۳۹۰). آسیب‌های تربیت دینی کودکان مقطع پیش‌دبستانی از نظر متخصصان علوم تربیتی، روان‌شناسی، علوم دینی، ادبیات کودک و مریمان پیش‌دبستانی. تربیت اسلامی، ۶(۱۲)، ص ۵۱-۷۳.
صالحی‌زاده، محمداسماعیل؛ محمدی، روح‌الله (۱۳۹۴). آسیب‌شناسی تربیت دینی جوانان در مسائل عبادی از دیدگاه آیات و روایات. آموزش‌های تربیتی در قرآن و حدیث، شماره ۱.

صالحی‌زاده، محمداسماعیل؛ محمدی، روح‌الله (۱۳۹۴). آسیب‌شناسی تربیت دینی جوانان در مسائل عبادی از دیدگاه آیات و روایات. آموزش‌های تربیتی در قرآن و حدیث، شماره ۱.

عباسی، محمد (۱۳۸۶). عوامل دین‌گریزی و گرایش جوانان به فرهنگ غرب. معرفت، شماره ۱۱۶.
قایمی مقدم، محمدرضا (۱۳۸۵). موعظه و نصیحت در قرآن. تربیت اسلامی، ۲(۳)، ص ۲۱۷-۲۵۵.

کریمی، عبدالعظیم (۱۳۹۴). رویکرد نمادین به تربیت دینی با تاکید بر روش‌های اکتشافی. تهران: انتشارات قدیانی.
محمودی، سیروس (۱۳۹۷). آسیب‌شناسی تربیت دینی دانش‌آموزان دوره متوسطه دوم از نظر دبیران معارف اسلامی و مشاوران مدارس. رهیافت فرهنگ دینی، ۱(۳)، ص ۹۰-۱۰۵.

معافی، لیلا؛ اشرفی، عباس (۱۳۹۲). عوامل موثر بر دین‌پذیری و دین‌گریزی جوانان از دیدگاه جوانان. معرفت، ۲۲(۱۹۴).
نگارش، حمید؛ دامن‌پاک مقدم، ناهید (۱۳۸۸). آسیب‌های تربیت دینی در مدارس راهنمایی قم و راهکارهای مدیریتی درمان آن. مدیریت فرهنگی، ۳(۵).

نوربخش، یونس؛ اویسی فردویی، قاسم (۱۳۹۵). دینداری و الگوی تربیتی خانواده. بررسی مسایل اجتماعی، شماره ۱.
یزدانی، محمد؛ پاسبان کومله، سید محمدجواد (۱۳۹۵). آسیب‌شناسی اجتماعی دین‌گریزی و گرایش جوانان به فرهنگ غرب. در: مجموعه مقالات کنفرانس جهانی روانشناسی و علوم تربیتی، حقوق و علوم اجتماعی در آغاز هزاره سوم.

Kaiser, H.F. & Cernny, B.A. (1977). A study of a measure of sampling adequacy for factor analytic correlation matrices. *Multivariate Behavioral Research*, 12, P.43-47.